

آشتی دادن، صدقه‌ای برتر از نماز و روزه

کد خبن: ۳۲۰۰۵

تاریخ: ۲۲ آذر ۱۳۹۳ - ۱۹:۴۹

منصور حسینی

جامعه متشکل از انسان‌هایی است که افکار و آراء متفاوت و نیز روش‌های گوناگونی به سبب تفاوت و اختلاف روحيات و اخلاقیات و مانند آن دارند، هر چند در کلیات با هم مشترک هستند و یک هدف اصلی را که همان آسایش و آرامش است در نظر دارند. همین تفاوت‌ها در حوزه‌های فکری و منشی و رفتاری موجب می‌شود تا هر از گاهی در عمل اجتماعی و روابط بین مردم تنش‌هایی ایجاد شود. شناخت عوامل تنش‌زا می‌تواند برای تنش‌زدایی کمک کند، ولی به سبب وجود همان تفاوت‌ها نمی‌توان امید داشت که جامعه هرگز گرفتار تنش و اختلاف نشود. از این رو یک وظیفه اصلی مومنان، ایجاد اصلاح و آشتی میان کسانی است که با قهر، روابط سالم را قطع کرده‌اند. در مقاله پیش رو آثار و برکات این عمل انسانی یعنی اصلاح میان مردم و برقراری آشتی میان آنها تبیین شده است.

ریشه‌های قهر و دشمنی در جامعه

جامعه اسلامی که از آن به امت یاد می‌شود، جامعه‌ای متشکل از اقوام و نژادهای گوناگون است که هدف مشترکی در قالب سبک زیست اسلامی آنان را دور هم جمع کرده و از امت‌ها و جوامع دیگر متمایز ساخته است. اعضای امت اسلامی هر چند که بر آن هستند تا سبک زیست خود را در قالب اسلام سامان دهند، ولی به سبب تفاوت ادراکی، ایمانی، تقوایی و مانند آن، در یک درجه و مرتبه نیستند. از همین رو هر از گاهی اختلافات و تنش‌هایی میان آنان پدیدار می‌شود.

از آنجایی که تنش و اختلاف در جامعه هر چند که در دایره محدود و در امور خرد و پیش پا افتاده باشد، ولی به سبب آنکه می‌تواند انسجام و همگرایی اجتماعی را مخدوش سازد و فرصت تعاون و همکاری اجتماعی را در امور خیر و نیک و تقوای الهی کاهش دهد، اسلام به شدت به مقابله با آن پرداخته و خواهان اصلاح ذات‌البین و آشتی میان افراد می‌شود.

اصلاح که در آیات قرآنی به کار می‌رود به معنای برطرف کردن فساد و تباهی و انجام دادن کار شایسته است. (لسان العرب، ابن‌منظور، ذیل واژه صلح) خداوند در آیه 114 سوره نساء مثلاً از اصلاح بین مردم سخن به میان آورده که منظور از آن در اینجا به معنای ایجاد آشتی میان متخاصمان است.

قهر و اختلاف، عامل دین‌زدایی

اسلام هرگونه تنش و اختلاف میان افراد را به معنای دین‌زدایی از جامعه می‌داند و اصولاً اختلافات را برنمی‌تابد و با آن به عنوان یک فساد برخورد می‌کند. از نظر اسلام هرگونه تنش در میان افراد می‌تواند پایه‌های دینداری در جامعه را متزلزل کند و صحت و سلامت را از جامعه بزدايد. رسول اکرم (ص) درباره خطرات قهر و آشتی در جامعه اسلامی آن را عامل دین‌زدایی دانسته و چنین هشدار می‌شود: تیره شدن رابطه بین مردم ریشه‌کن کننده دین است. (نهج‌الفصاحه، ح 458)

خداوند یکی از نعمت‌های بزرگ خود بر امت اسلام را اصلاح و آشتی دادن میان اقوام گوناگون دانسته و می‌فرماید: ای مومنان از خداوند پروا کنید آن‌گونه که سزاوار تقوا و پروا از اوست و نمیرید مگر آنکه مسلمان باشید و همگی به ریسمان خدا جنگ زبید و پراکنده نشوید و یاد کنید لطف و احسان خداوند را بر شما- آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید و خداوند میان دلهای شما الفت انداخت، پس در سایه نعمت او با یکدیگر برادر شدید چنانکه بر لبه پرتگاهی از آتش بودید و خداوند شما را از آن نجات داد. (آل عمران، آیات 102 و 103)

اصلاح نفس، شرط نخست اصلاح‌گری

هر مسلمانی موظف است بگونه‌ای عمل کند که هرگونه اختلاف و تنش میان او با دیگر افراد جامعه از میان برود و برادری و اخوت ایمانی و اسلامی در میان آنان برقرار گردد. بنابراین در اسلام هرگونه قهر و اختلاف ناپسند دانسته شده و از مسلمانان و مومنان خواسته شده تا از آن پرهیز کنند.

در ادبیات و فرهنگ قرآنی و اسلام واژگانی مورد تاکید قرار گرفته که بیانگر ارزش و جایگاه صلح و آشتی در میان امت اسلام است. از جمله این

واژگان می‌توان به تعاون اشاره کرد که خداوند خواهان آن است که امت اسلام در کنار هم برای رسیدن به جامعه برتر ایمانی، تلاش کنند و در کارهای نیک و خیر و رسیدن به تقوا یکدیگر را یاری رسانند و از هر گونه کارهای زشت و تجاوزطلبی پرهیز کرده و به مقابله با آن بپردازند. (مأده، آیه 2)

واژگانی چون صلح، اصلاح، تألیف قلوب، توفیق، سلم و مانند آن در قرآن و روایات بیانگر ارزشمندی و اهمیت اختلاف‌زدایی و تنش‌زدایی از جامعه ایمانی است.

از نظر اسلام هر شخصی باید بگونه‌ای عمل کند که اختلاف و تنش ایجاد نکند و اگر دیگران گرفتار تنش شدند آنان را به اصلاح امور و آشتی دعوت کرده و تنش‌زدایی را در دستور کار قرار دهد.

پیامبر(ص) اسوه مومنان است (احزاب، آیه 21) و خداوند از مردم خواسته تا او را الگوی رفتاری خود قرار دهند و سبک زندگی اسلامی را از او بیاموزند. آن حضرت خود عامل تألیف قلوب و ایجاد انسجام و همگرایی و تعاون در جامعه بود و گفتار و رفتارش بگونه‌ای بود که مردم را جذب و انسجام و همگرایی را ایجاد و یا تقویت می‌کرد.

امام حسن مجتبی از قول امیرالمؤمنین(ع) این روش پیامبر را چنین توصیف می‌کند: کان رسول‌الله(ص) یخزن لسانه الا فیما یعینه، و یؤلفهم و لا یفرقهم (ولا ینفرهم) و یکریم کل قوم و یولیه علیهم؛ (عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 319) پیامبر خدا، زبان خود را از حرف زدن ننگه می‌داشت مگر در جایی که برایش مفید بود و به او مربوط می‌شد، مردم را الفت و وحدت می‌بخشید و آنان را متفرق و بیزار از هم نمی‌ساخت، بزرگ هر قوم و جمعی را احترام می‌کرد و همان شخص را سرپرست آنان قرار می‌داد.

پس گام نخست این است که خودسازی کرده و خود را به گونه‌ای تربیت کنیم که دیگران به ما گرایش داشته و جذب خوش‌رویی و خوش‌خویی ما شوند تا بتوانیم در صورت نیاز، به اصلاح و آشتی دادن میان افراد بپردازیم و میان مردم صلح و آشتی برقرار کنیم و قهر آنان را به مهر تبدیل نماییم.

امیر مومنان علی(ع) آغاز اصلاحات و آشتی را از خود شخص می‌داند و می‌فرماید: ان سمت همتک لاصلاح الناس فابدأ بنفسک، فان تعاطیک صلاح غیرک و انت فاسد اکبر العیب؛ اگر همت والای اصلاح مردم را در سر داری، از خودت آغاز کن، زیرا پرداختن تو به اصلاح دیگران، در حالی که خود فاسد باشی بزرگترین عیب است. (غررالحکم، ج 3، ص 23، ح 3749)

این فساد که در این روایت بیان شده همان فساد است که میان شخص با خداوند وجود دارد؛ زیرا کسی که نتوانسته رابطه درستی میان خود و خدا برقرار کند و رابطه او با خداوند بر مدار بی‌تقوایی است نمی‌توانیم از چنین شخصی امید داشته باشیم که بتواند میان مردمان به درستی رفتار کند، حال چه رسد که بخواهد اصلاحات داشته باشد و میان آنان صلح و آشتی برقرار کند. امام صادق(ع) نخستین گام در اصلاحات را اصلاح فساد می‌داند که میان شخص با خدا پدید آمده است: من اصلح فیما بینه و بین الله اصلح الله ما بینه و بین الناس؛ کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح می‌کند. (جهاد النفس، ح 355)

از آیات قرآنی نیز همین معنا به دست می‌آید و کسانی را اهل اصلاح می‌شمارد که خود گام درست اصلاحی را در میان خود و خدا برداشته و اهل کتاب و ایمان (اعراف، آیه 170) و تقوا باشند. (احزاب، آیات 70 و 71) انسان می‌بایست خود اهل توبه باشد و به سوی خداوند بازگشت کرده و اصلاحاتی را میان خود و خدا انجام داده باشد (بقره، آیه 160؛ نساء آیه 146) آنگاه می‌تواند میان مردم آشتی دهد.

انسان مصلح کسی است که خودش اهل حق و حق‌گویی است (احزاب، آیات 70 و 71) و با توکل و استمداد از خداوند (احقاف، آیات 15 و 16) و نماز (اعراف، آیه 170) و مانند آن می‌کوشد تا رابطه خود با خدا را اصلاح کرده سپس به توفیق الهی میان دیگران اصلاحات انجام دهد.

رسول اکرم(ص) به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مراقب اعمال و رفتار خویش باشند و کاری نکنند که در قیامت در وضعیت بدی قرار گیرند. آن حضرت خواهان این است که مومنان، قهر را کنار بگذارند و همواره در صلح و آرامش زندگی کنند و اگر به هر دلیلی کسی از ایشان رنجیده‌خاطر شد و قهر کرد، در آشتی کردن شتاب کنند چنانکه در سلام کردن شتاب می‌شود تا بهره‌ای بیشتر ببرند. پس در این کار پیش‌دستی کنند تا خداوند در قیامت ایشان را بر دیگران مقدم دارد. آن حضرت(ص) می‌فرماید: ایما مسلمین تهاجرا فمکتا ثلاثا لایصطلحان الا کانا خارجین من الاسلام، و لم یکن بینهما ولایه فایهما سبق الی کلام اخیه کان السابق الی الجنه یوم الحساب؛ هر دو مسلمانی که با هم قهر کنند و سه روز به قهر خود ادامه دهند و آشتی نکنند، هر دو از اسلام بیرون روند و میان آنان هیچ پیوند دینی نباشد و هر کدام از آنها که پیش از دیگری با برادرش شروع به سخن کند، در روز حسابرسی زودتر به بهشت می‌رود. (کافی، ج 2، ص 345، ح 5)

ارزش و آثار و برکات آشتی دادن میان مردم

با نگاهی به جایگاه اصلاح در آموزه‌های اسلامی به روشنی می‌توان دریافت که آن چه ارزش و اهمیتی دارد؛ چنان که از طریق بیان آثاری که برای ایجاد اصلاح بیان شده می‌توان ارزش و اهمیت آن را نیز به دست آورد.

آشتی دادن و حل اختلافات میان مردم برکات و آثار دنیوی و اخروی بسیاری دارد که در برخی از آیات و روایات به آن اشاره شده است. از نظر قرآن آشتی دادن مهمترین عامل آرامش جامعه و فرد است. (انعام، آیه 48، اعراف، آیه 35) همچنین از آیه 10 سوره حجرات به دست می‌آید که یکی از عوامل و اسباب برخورداری انسان از رحمت الهی، اصلاحات میان مردم و آشتی دادن است.

خداوند به صراحت در آیه 1 سوره انفال و 10 سوره حجرات، آشتی دادن میان مومنان را امری ارزشمند معرفی می‌کند و یکی از مسئولیت‌های مومنان را آشتی بین خود با از بین بردن زمینه‌های درگیری و اختلاف بیان می‌کند. (بقره، آیه 224)

از نظر قرآن قهر و آشتی نکردن به معنای همراه شدن با شیطان و گام برداشتن در مدار اوست و کسی که مانع آشتی میان مومنان می‌شود پیرو گام‌های شیطان است. (بقره، آیه 208) پس برای رهایی از شیطان و حرکت در مسیر او می‌بایست به جای اختلاف‌افکنی و یا مانع‌تراشی در برابر آشتی و اصلاح، خودمان گام‌های اساسی را برای آشتی و صلاح برداریم و دیگران را بدان ترغیب کنیم.

بازتاب اعمال خوب خود از جمله آشتی دادن را می‌توان در دنیا و آخرت مشاهده کرد. در دنیا این عمل موجب انسجام و تعاون و صمیمیت و مهرورزی بیشتر میان مومنان و رهایی از هرگونه ناامنی و فقدان آسایش و آرامش می‌شود و در آخرت این عمل موجب می‌شود تا کارهای مومنان در آخرت به سامان و صلاح رسد و از فساد و آسیب در امان باشد. حضرت رسول اکرم(ص) می‌فرماید: اتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم فان الله یصلح بین المومنین یوم القیامه؛ تقوای الهی داشته باشید و اصلاح کنید میان خودتان را زیرا خداوند در روز قیامت میان مومنین را اصلاح می‌کند. (محجه البیضاء، ج 3، ص 373)

امام کاظم(ع) نیز مصلحان را در قیامت از مقربان برمی‌شمارد و می‌فرماید: طوبی للمصلحین بین الناس، اولئک هم المقربون یوم القیامه؛ خوشا به سعادت اصلاح‌کنندگان بین مردم که آنان همان مقربان روز قیامتند. (تحف العقول، ص 393)

می‌دانیم که در میان کسانی که در قیامت به بهشت می‌روند، مقام مقربان برتر از مقام اصحاب یمین است و ایشان در مقامات بس برتر و در جنت رضوان قرار می‌گیرند. (سوره واقعه و آیات دیگر)

امام صادق(ع) در بیان مصادیق صدقه، اصلاح میان مردمان را به عنوان صدقه معرفی می‌کند و می‌فرماید: صدقه یحبها الله: اصلاح بین الناس اذا تفاسدوا، و تقارب بینهم اذا تباعدوا؛ صدقه‌ای که خداوند آن را دوست دارد عبارت است از: اصلاح میان مردم هرگاه رابطه‌شان تیره شد و نزدیک کردن آنها به یکدیگر هرگاه از هم دور شدند. (کافی، ج 2، ص 209، ح 1)

این بدان معناست که اسلام دایره صدقات را فراتر از صدقه مالی دانسته و انجام کارهایی که با زبان انجام می‌شود و موجب آشتی میان مردم می‌شود را از مصادیق صدقه مالی بلکه برتر دانسته است؛ چنان‌که رسول اکرم(ص) در سخنی به ارزش‌گذاری صدقه مالی با صدقه زبانی یعنی آشتی و اصلاح میان مردم می‌پردازد و می‌فرماید: الا اخبرکم بافضل من درجه الصیام و الصلاه و الصدقه؟ صلاح ذات‌البین، فان فساد ذات‌البین هی الحالفه؛ آیا شما را به چیزی با فضیلت‌تر از نماز و روزه و صدقه(زکات) آگاه نکند؟ آن چیز اصلاح میان مردم است، زیرا تیره شدن رابطه میان مردم ریشه‌کن کننده دین است. (نهج الفصاحه، ح 458)

پس نه تنها آشتی دادن یک نوع صدقه بلکه از نوع برتر و بهتر از صدقات مالی است؛ زیرا با پول اگر می‌شود اصلاحاتی را انجام داد، ولی ریشه‌دارترین اصلاحات همان اصلاحاتی است که از طریق زبان و ایجاد الفت و تالیف میان مردم انجام می‌گیرد و موجب می‌شود تا انسجام اجتماعی تحقق یابد و اختلافات از جامعه زدوده شود.

از نظر اسلام ارزش و اهمیت اصلاح میان مردم و آشتی دادن آنچنان مهم است که می‌توان برخی از کارهایی را که در حالت عادی جایز نیست انجام داد. مثلاً در برخی از روایات آمده که برای اصلاح میان مردم می‌توان از خمس و اموال امام(ع) برای ایجاد اصلاحات استفاده کرد. به این معنا که اگر ریشه اختلافات و درگیری و قهر میان مردم، مالی است می‌توان از طریق اموال امام(ع) صلح و آشتی برقرار کرد.

امام صادق(ع) به یکی از اصحاب خود به نام مفضل می‌فرماید: للمفضل:- اذا رایت بین اثین من شیعتنا منازعه فافتدها من مالی؛ به مفضل فرمودند: هرگاه میان دو نفر از شیعیان ما نزاعی دیدی از مال من غرامت بده؛ یعنی با پرداخت وجه مورد اختلاف، میان آنان را اصلاح کن. (کافی، ج 2، ص 209، ح 3)

از این بالاتر آنکه می‌توان از گناه بزرگی چون دروغ که خداوند به دروغگو وعده آتش دوزخ را داده است، برای ایجاد اصلاح میان مردم و آشتی دادن، استفاده کرد. یعنی یکی از جوازات دروغ گفتن، موردی است که با آن بتوان میان دو کس آشتی برقرار کرده. امام صادق(ع) در بیان تشریح انواع و اقسام سخن می‌فرماید: الکلام ثلاثه: صدق و کذب و اصلاح بین الناس قال: قیل له: جعلت فداک ما الصلح بین الناس؟ قال: تسمع من الرجل کلما یبلغه فتخبث نفسه، فتلقاه فتقول: سمعت من فلان قال فیک من الخیر کذا و کذا، خلاف ما سمعت منه؛ سخن سه گونه است: راست و دروغ و اصلاح میان مردم. به آن حضرت عرض شد: قربانت شوم اصلاح میان مردم چیست؟ فرمودند: از کسی سخنی درباره دیگری می‌شنوی که اگر سخن به گوش او برسد، ناراحت می‌شود. پس تو آن دیگری را می‌بینی و برخلاف آنچه شنیده‌ای، به او می‌گویی: از فلانی شنیدم که در خوبی تو چنین و چنان می‌گفت. (کافی، ج 2، ص 341، ح 16)

پس در حقیقت دروغ اصلاح‌گرانه به از راست فتنه‌انگیز است، چنانکه از پیامبرگرامی(ص) روایت است که فرمود: ان الله احب الکذب فی الصلح و ابغض الصدق فی الفساد؛ براستی که خداوند دروغی را که باعث اصلاح و آشتی باشد دوست می‌دارد و راستی را که موجب فساد شود، دشمن می‌دارد. (وسائل الشیعه، ج 8، ص 578، ح 1)

ایجاد اصلاح و آشتی دادن در میان کسانی که با هم قهر کرده‌اند، عملی بسیار پسندیده و از اخلاق پیامبران و اوصیا و اولیای الهی است. امام صادق(ع) در بیان خصوصیات و ویژگی لقمان حکیم به مساله آشتی دادن ایشان اشاره می‌کند و می‌فرماید: به خدا قسم به لقمان تنها حکمت و دانش عطا نشده بود و نیز دارائی و خانواده و قدرت جسمی و زیبایی چشمگیر نداشت ولی او مردی با اراده بود... و او به دو نفر که با هم نزاع می‌کردند و یا می‌جنگیدند نمی‌گذشت مگر اینکه، میانشان صلح برقرار می‌کرد و از پیش آنان نمی‌رفت تا آنکه آنها دست از نزاع و جنگ کشیده و متفرق می‌شدند. (مستدرک الوسائل، ج 13، ص 442، ح 3)

به هر حال، اصلاح میان مردم و آشتی دادن و دوری از قهر از اخلاق خوب و با فضیلت اسلامی و انسانی است که در آیات و روایات بر آن تاکید شده و آثار و برکاتی برای آن در دنیا و آخرت بیان شده است که همین مساله می‌بایست موجب شود که نه تنها اهل قهر نباشیم بلکه بکوشیم تا قهر دیگران را به هر شکلی شده تبدیل به آشتی کنیم و صلح و صفا و صمیمیت را در جامعه اسلامی گسترش دهیم.